

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد

سوره مبارکه انبياء (جله دهم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۴/۶/۱۸

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (۷۳)

یکی از مطالب مهمی که در این سوره مورد اشاره قرار گرفته در آیه ۷۳ مطرح شده است که انبیاء علیهم السلام را به عنوان ائمه مطرح نموده است.

ائمه ای که به واسطه امر پروردگار هدایت می کنند و به آنها اقامه نماز، ایتاء زکات در راه خدا وحی می شود.

- این موارد خصوصياتی هستند که به واسطه آنها انسان می تواند خود را به انبیاء علیهم السلام نزدیک کرده و از آنها فیض ببرد. در واقع با انبیاء علیهم السلام هم سنخ شود؛ زیرا وقتی مطرح می کند که امام هستند یعنی جلودار هستند پس حتما عقبی هم می خواهند.

- حضرت علامه طباطبائی، هدایت به امر را نوعی دستگیری می داند که به وسیله شرایطی که از وحی نازل شده، مطرح می شود.

- شرایع، نوعی هدایت به امر است یعنی وقتی حُکم را انجام بدهد در درونش هدایتی رخ می دهد.

- فعل خیرات، یعنی نسبت به خیر فعلیت پیدا کند. به بیان دیگر خیر در او محقق شده است.

منشأ این فعلیت هم وحی است که تشخیص نوع خیر با وحی صورت می گیرد (مستقیم یا غیرمستقیم؛ در شکل مستقیم خود انبیاء علیهم السلام و در غیرمستقیم افراد دیگر که به کتب انبیاء علیهم السلام دسترسی پیدا می کنند).

بنابراین برای رسیدن به خیر به کتاب آسمانی نیاز است تا خیرات را به ما بشناساند و خیریت آن فعل را در ما محقق کند لذا فعلیت خیر، سهولت آن کار را زیاد می کند.

- این آیه یک جمله معترضه است؛ زیرا موضوع بالا و پایین آن با این آیه متفاوت هستند.

جمله‌های معترضه در سوره‌ها بیان کننده غرض سوره هستند به همین جهت آیه غرر سوره به حساب می‌آیند؛ چرا که وسط یک جریان یا داستانی، حرف قطع شده و این موضوع مطرح گردیده‌است. این امر اهمیت این دسته از آیات را مشخص می‌کند.

وَلَوْ طَآءِیْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْقَرْیَةِ الَّتِی كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَآثَۃَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِیْنَ (۷۴) وَأَدْخَلْنَاهُ فِی رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِیْنَ (۷۵)

- آیات ۷۴ و ۷۵ در ادامه آیه ۷۲ هستند.

- خداوند وصف «صالحین» را برای هر کسی بکار نمی‌برد. بالاترین وصف جهت اجرایی، وصف صالح است. اینان کسانی هستند که قدرت اصلاح جامعه را برعهده دارند فلذا به این اعتبار، صالح، امام جامعه است.

- یکی از نکاتی که در سوره انبیاء علیهم السلام نیز وجود دارد این است که در بیان قصه انبیاء علیهم السلام، تقدم و تأخر زمانی لحاظ نشده‌است.

وَدَاوُدَ وَسُلَیْمَانَ إِذْ یَحْكُمَانِ فِی الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِیْهِ غَمَمٌ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَآهِدِیْنَ (۷۸) فَفَهَّمْنَاهَا سُلَیْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجَبَالَ یُسَبِّحْنَ وَالطَّیْرَ وَكُنَّا فَاعِلِیْنَ (۷۹) وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِنُخَصِّنْكُمْ مِنْ بَآسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ (۸۰) وَلِسُلَیْمَانَ الرِّیْحَ عَاصِفَةً تَجْرِی بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِی بَارَكْنَا فِیْهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَیْءٍ عَٰلِمِیْنَ (۸۱) وَمِنَ الشَّیَاطِیْنِ مَنْ یُعْوَضُونَ لَهُ وَیَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَٰلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِیْنَ (۸۲)

- در این آیات به داستان خاصی از این دو نبی اشاره گردیده‌است.

- حضرت سلیمان و حضرت داوود علیهما السلام هر دو نبی هستند و از این رو هر دو مقام حُکم دارند. نبی الهی ساحت حکم است و خداوند این موقعیت را از نبی ذکر می‌کند.

- وحی‌ای که به انبیاء علیهم السلام صورت می‌گرفته به موضوعات بستگی داشته‌است؛ یعنی وحی انبیاء علیهم السلام خالی از تفکر نبوده‌است.

تفاوت در حکم صادره از حضرت سلیمان و حضرت داوود علیهما السلام هم به دلیل تغییر در موضوع بوده یعنی هر کدام از این دو بزررگوار درباره موضوعی حکم کرده‌اند؛ یکی درباره غرامت گوسفندان و دیگری درباره منافع گوسفندان و از این رو حکم هر دو درست بوده است.

آن‌ها درباره یک موضوع حکم نکرده‌اند که در حکم اختلاف پیش بیاید در واقع موضوع حکم‌شان تغییر کرده و در نتیجه حکم متفاوت شده است.

در استفتائات از مراجع نیز باید حتما سعی شود موضوع کاملاً شفاف و با لحاظ قید و بندها بیان گردد.

با توجه به آنچه بیان شد در حوزه فقه حکومتی، موضوع شناسی از ارکان احکام است.

اگر فقها نتوانند (موضوعات) احکام را بشناسند؛ احکام استخراج نمی‌شود.

وَعَلَّمَنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ (۸۰)

- یکی از اعمال افرادی که خباثت دارند این است که در روایات اهل بیت علیهم السلام جستجو می‌کنند و آن‌هایی را که به ظاهر با هم متناقض هستند را استخراج و در دین تشکیک وارد می‌کنند. این از خباثاتی است که اگر کسی به آن آلوده شود، عاقبت به خیر نمی‌شود.

در چنین مواقعی و در مواجهه با چنین شبهاتی باید به تنوع موضوعات روایات توجه کرد. نباید سریعاً روایت را نادرست خواند (کاری که در حال حاضر وهابیت انجام می‌دهد) باید با تحلیل موضوع، به شبهات این چنینی پاسخ داد.

هر جا باید و نباید و حکمی هست، این حکم در دل یک موضوع بیان شده؛ از این رو کافی است موضوع قابل تفصیل و تحلیل شود تا مشکل حل گردد.

به طور مثال :

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ ابْنِ أَبِي عَمْرٍاءَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: خَمْسٌ مِنْ خَمْسَةِ مُحَالٍ النَّصِيحَةُ مِنَ الْحَاسِدِ مُحَالٌ وَالشَّفَقَةُ مِنَ الْعَدُوِّ مُحَالٌ وَالْحُرْمَةُ مِنَ الْفَاسِقِ مُحَالٌ وَالْوَفَاءُ مِنَ الْمَرْأَةِ مُحَالٌ وَالْهَيْبَةُ مِنَ الْفَقِيرِ مُحَالٌ^۱

که در اینجا با موضوع یابی و تحلیل و تفصیل آن میتوان فهمید که «مرأه» اینجا در حکم «دنیا طلب» است.

فلذا تحلیل آن نیز این گونه می شود که چون وضعیت ظاهر دنیا، حالت بستر دارد؛ از این رو به آن «مرأه» می گویند؛ نه به این دلیل که چون زن این گونه است.

وقتی موضوع را درست تشخیص می دهی، آن وقت حکم نیز تغییر می کند و می شود: «نباید به وعده کسی که دنیا طلب است اعتماد کرد».

- در آیه ۸۰ هم چنین بیان می شود که اگر اذن خداوند باشد، انبیاء علیهم السلام قدرت تسخیر عالم را دارند.

تسخیر باد یعنی امکان تسخیر تمام مولفه های زیست محیطی.

تسخیر صنعت، طبیعت، جن ... این اوج اقتدار را نشان می دهد.

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۸۳) فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ (۸۴)

- اگر شما با حضرت ایوب علیه السلام روبرو می شدید چطور باور می کردید که ایشان نبی باشند؟

ایشان همه اهل و مال و ... را از دست داد، ضرر به سراغش آمد. یک نبی مانند حضرت سلیمان علیه السلام می شود که باد و جن و صنعت را تسخیر می کند و یک نبی هم مانند ایوب علیه السلام.

اگر با این دو نبی مواجه می شدید چه می کردید؟

خداوند اینگونه بندگانش را می آزماید و گرنه نبی که نبی است؛ واسطه خیر و وحی است.

^۱ الخصال ؛ ج ۱ ؛ ص ۲۶۹

- نمی‌دانم چه بیماری‌ای در برخی افراد هست که نسبت گناه به انبیاء علیهم السلام می‌دهند. باید در مواجهه با چنین افرادی گفت اگر به گناه یا ترک اولی در انبیاء علیهم السلام معتقد هستید؛ آیه ۷۳ سوره مبارکه انبیاء علیهم السلام را چگونه معنا می‌کنید!

- حال مروری می‌کنیم بر پیامبران ذکر شده در سوره مبارکه انبیاء علیهم السلام:

اولین نبی که در این سوره مبارکه ذکر شد جنابان موسی و هارون علیهما السلام بودند که با خون دل حکومت بر پا کردند.

حضرت ابراهیم علیه السلام از کودکی مبارزه را شروع می‌کند و بعد موضوع را به نسلش منتقل می‌کند. بعد به حضرت لوط علیه السلام و سپس به حضرت داوود علیه السلام و سلیمان علیهم السلام و مقام حکم می‌رسد و در نهایت حضرت ایوب.

سیر انبیاء علیهم السلام بالا و پایین زیاد دارد. برای ایمان به آن‌ها پشتوانه الهی نیاز است.

ایمان به تمامی انبیاء علیهم السلام با همه شرایطشان، از اصول دین ماست.

اعتقاد به نبوت در اسلام، نبوت تفصیلی است نه اجمالی یعنی اعتقاد به تمام انبیاء علیهم السلام با همه شرایطی که داشتند.

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۸۳) فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ (۸۴) وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ (۸۵) وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ (۸۶) وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۸۷) فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (۸۸)

در سوره مبارکه انبیاء علیهم السلام از آنچه بعضی افراد نام ترک اولی بر آن می‌نهند، صحبتی نشده و این موارد بیشتر در سوره مبارکه ص آمده‌است.

انبیاء علیهم السلام ایمان سنج انسان‌ها هستند. برای سنجش ایمانت، خودت را به آن‌ها عرضه کن و واکنشت را در مواجهه با آن‌ها بسنج.

- یکی از این ایمان سنج‌ها حضرت یونس علیه السلام است که «ذوالنون» خوانده می‌شوند.

تصور کنید قوم تان دنبال تان می کنند که شما را بکشند، شما چون وظیفه شرعی دارید و امانت خدا هستید (نه از روی ترس) فرار می کنید. سوار کشتی می شوید؛ در معرض طوفان قرار می گیرید و به دریا انداخته می شوید. یک شیء ای شما را می بلعد بعداً می فهمید نهنگ بوده است. به اندازه ده دقیقه، یک ربع شما در آن محل بدون هیچ نوری قرار دارید؛ در نهایت این نهنگ شما را در مکانی بیرون می اندازد.

این جریان یک معجزه تکوین در عالم است. حالا جناب یونس علیه السلام در داخل شکم نهنگ که رفته اند گفته اند: «یا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین». حواسش به هیچ چیز دیگری نبوده است مثل حضرت علی علیه السلام که می فرمایند: «ظلمت نفسی».

فقط کافی است انسان کمی تصور کرده و اتفاقی را که رخ داده است، حس کند. به یمن وجود حضرت یونس علیه السلام اتفاقات فراوانی در عالم رخ داد؛ از آن جمله در معنویت که یک مدل تسبیح به نام حضرت یونس علیه السلام عَلم شد که هیچ عارفی به عرفان نمی رسد مگر با ذکر یونسیه.

ان شاء الله خدا قدرشناسی از انبیاء علیهم السلام را توفیق دهد تا بتوانیم از ایشان استفاده کنیم.

از خداوند می خواهیم برای مان ملائکه الهی ای از جنس یونس علیه السلام خلق کند که وحی یونسیه را هر لحظه بر قلب ما الهام کنند.

تجلیل و فرج امام زمان (عج) صلوات